

## بررسی ظرفیت امولسیون‌کنندگی و کف‌کنندگی و تاثیر اسیدیته و قدرت یونی بر این ویژگی‌ها در آرد حاصل از حبوبات مختلف

الهام اسدپور<sup>۱</sup> سید مهدی جعفری<sup>۲\*</sup> علیرضا صادقی ماهونک<sup>۳</sup> محمد قربانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۲۱

### چکیده

در این پژوهش، ویژگی‌های عملکردی آرد نخود، عدس، لوبیاقرمز و لوبیا چیتی مورد بررسی قرار گرفت. لوبیا چیتی و لوبیا قرمز از نظر ویژگی‌های امولسیون‌کنندگی، در رده نخست و پس از آنها نخود و عدس قرار داشتند. در pH ایزوالکتریک (حدود ۴) در تمام نمونه‌ها، کاهش این خاصیت وجود داشت که با نمودار حلالیت پروتئین آنها تطابق داشت. غلظت نمک نیم مولار تاثیر قابل توجهی در افزایش و یا کاهش ویژگی امولسیون‌کنندگی نداشت اما افزایش غلظت نمک به حدود یک مولار در تمام نمونه‌ها باعث کاهش این ویژگی گردید. در رابطه با پایداری امولسیون نیز، لوبیاقرمز بیشترین پایداری را حتی در غلظت‌های مختلف نمک و pH‌های متفاوت داشت. براساس داده‌های بدست آمده، بیشترین میزان کف‌کنندگی مربوط به لوبیاقرمز و لوبیاچیتی (به ترتیب، ۶۸ و ۶۴/۵ درصد) و کمترین آن مربوط به نخود (۳۵/۵ درصد) گزارش گردید. در pH ایزوالکتریک، کمترین میزان کف‌کنندگی در تمام نمونه‌ها بدست آمد. بطور کلی، پروتئین لوبیاچیتی در برابر غلظت نمک حساس‌تر از سایر نمونه‌ها بود و با افزایش غلظت نمک، خاصیت کف‌کنندگی آن، کاهش قابل ملاحظه‌ای داشت. پایداری کف در تمام نمونه‌ها بدون در نظر گرفتن غلظت نمک و pH با افزایش زمان کاهش داشت. نکته جالب توجه دیگر، پایداری بیشتر کف در pH ایزوالکتریک در تمام نمونه‌ها بود.

**واژه‌های کلیدی:** آرد حبوبات، ویژگی‌های عملکردی، قدرت یونی، پایداری امولسیون، پایداری کف

### مقدمه

این کشورها می‌باشد که توانایی کمتری در تامین پروتئین از منابع دامی دارند (وادبول، ۲۰۰۱). بعنوان مثال، حبوباتی مانند چکبین و موکونابین به ترتیب دارای ۲۹٪ و ۳۵٪ پروتئین می‌باشند.

به طور کلی حبوبات نسبت به غلات دارای پروتئین بیشتری می‌باشند. پروتئین‌های گیاهی به سه شکل عمده طبقه بندی می‌شوند: آردها با ۶۵-۵۰٪ پروتئین، کنسانتره‌ها با ۹۰-۶۵٪ پروتئین و ایزوله‌ها با بیش از ۹۰٪ پروتئین (گواگون، ۱۹۹۸). بخش عمده‌ای از ویژگی‌های عملکردی مربوط به پروتئین‌ها است که در اثر برهم کنش آنها با یون‌ها، حلال و سایر مولکول‌های اطراف آنها از جمله ساکاریدها، لیپیدها و پروتئین‌های دیگر ظاهر می‌شود. این ویژگی‌های عملکردی در بسیاری از محصولات غذایی باعث تغییر در ظاهر، رنگ، آبداربودن، احساس دهانی و بافت آنها شده و فرآیندهایی چون برش زنی، مخلوط کردن، چرخ کردن، تشکیل خمیر، فیبرها، کف زایی، شکل دهی و انتقال محصولات فرآوری شده را تحت تاثیر

حبوبات گیاهانی از خانواده فاباسه (یا لگومینوزا) هستند که دارای ۱۶۰۰۰ تا ۱۹۰۰۰ گونه و تقریباً ۷۵۰ جنس هستند. تلاش برای یافتن منابع جایگزین و ارزان پروتئین برای تغذیه انسان منجر به انجام پژوهش‌های مختلفی در رابطه با بکارگیری برخی از حبوبات کمترشناخته شده در کشورهای در حال توسعه شده است که می‌توان به حبوباتی نظیر موکونا بین، گیلابین، بامبارا گراند نات، چکبین و غیره اشاره نمود (چاو، ۱۹۹۸). دلیل این تحقیقات گسترده، فراوان بودن و ارزان بودن حبوبات بعنوان منبعی بالقوه از پروتئین برای مردم

۴ دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده صنایع غذایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و مربی موسسه آموزش عالی بهاران گرگان  
۳، ۲ و ۴ استادیاران دانشکده صنایع غذایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

(Email: smjafari@gau.ac.ir)

\* نویسنده مسئول:

مطابق توضیحات کینسلا (۱۹۸۴)، قابلیت حل شدن<sup>۲</sup> نقش مهمی در خواص امولسیون کنندگی پروتئین ایفا می‌کند به طوری که هر چه قابلیت حل شدن پروتئین افزایش یابد، میزان امولسیون کنندگی آن افزایش می‌یابد. همچنین حضور نمکها و  $pH$  خواص امولسیون کنندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در مورد قابلیت تشکیل کف و پایداری آن و همچنین تاثیر غلظت در مورد استفاده نتایجی توسط آرمو و همکاران (۲۰۰۷) بر روی آرد بامبارا گراندانات و غیره ارایه شده است. میزان کف کنندگی در محدوده ۷/۹ تا ۲۸/۱ درصد متغیر بود که با نتایج بدست آمده توسط اشدی و همکاران (۱۹۹۹) بر روی آرد بنسید مطابقت داشت. اما در مقایسه با آرد سویا (۱۷۰٪) و آرد آفتابگردان (۲۳۰٪) کمتر بوده است. همچنین، یک افزایش تصاعدی در قابلیت تشکیل کف در تمامی آردها با افزایش غلظت آنها مشاهده شد. در پژوهشی مشابه، ادبوال و لوال (۲۰۰۴) مطالعه‌ی مقایسه‌ی ای بین آرد بامبارا گراندانات، جکبین و موکونابین انجام دادند. داده‌ها، نشان دهنده‌ی افزایش ظرفیت کف کنندگی تا غلظت ۴٪ در مورد آرد جکبین و سپس کاهش این خاصیت به صورت شدید با افزایش غلظت می‌باشد. اما این حالت در مورد دو نوع آرد دیگر وجود نداشت، به طوری که با افزایش غلظت آرد، میزان کف کنندگی افزایش می‌یافت.

کف در مواد غذایی شامل پراکنده‌ی حباب‌های گاز در داخل یک فاز مایع و یا یک فاز نیمه جامد پیوسته است. خاصیت کف کنندگی معمولاً در ایجاد خصوصیات رئولوژیکی مطلوب در مواد غذایی نظیر بافت نان، کیک، خامه زده شده، بستنی و آبجو نقش اساسی دارد. بنابراین پایداری کف به عنوان یک معیار مهم در کیفیت مواد غذایی ممکن است حایز اهمیت باشد (اولادله و آینا، ۲۰۰۷). پایداری سیستم توسط کاهش کشش بین سطح گاز مایع و تشکیل لایه پروتئینی مقاوم در برابر پاره شدن و با کشش پذیری (الاستیسیته) بالا در اطراف حباب‌ها و تغییر ویسکوزیته فاز مایع ایجاد می‌شود (آرمو و همکاران، ۲۰۰۷).

بطور کلی، هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی ویژگیهای امولسیون کنندگی و کف کنندگی آرد حاصل از حبوبات و بررسی تاثیر برخی عوامل نظیر اسیدیته و غلظت نمک بر این ویژگی‌های عملکردی می‌باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند راهگشای استفاده از حبوبات بعنوان منبعی ارزان و فراوان از پروتئین و سایر ترکیبات تغذیه‌ای مطلوب در فرآورده‌های مختلف صنایع غذایی باشد. همچنین می‌توان ترکیبات عملگر مورد نیاز را از این منابع استخراج کرده و همراه با ترکیبات دیگری نظیر آرد غلات در محصولات چینی چون انواع کیک و بیسکویت استفاده نمود.

قرار می‌دهند (سیکورسکی، ۲۰۰۲). ویژگی‌های عملکردی شامل ظرفیت جذب و نگهداری آب و روغن، حلالیت، ژلاتیناسیون، ویژگی‌های بین سطحی، تشکیل فیلم، کف کنندگی، تشکیل رنگ و ... می‌باشند (کینسلا، ۱۹۸۱).

ویژگیهای عملکردی بر اساس مکانسیم عمل به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند:

۱) خواص مربوط به آبیگری شامل جذب آب، روغن، حلالیت، قوام دهنده‌گی و قابلیت خیس شدن.

۲) خواص مربوط به ساختار پروتئینی و ویژگی‌های رئولوژیکی (ویسکوزیته، انعقاد و تشکیل ژل)

۳) خواص مربوط به سطح پروتئین‌ها شامل امولسیون کنندگی، کف زایی، تشکیل فیلم‌های چربی پروتئین و قابلیت هم زدن<sup>۱</sup>.

در نتایج به دست آمده توسط قدس ولی و همکاران (۲۰۰۵)، میزان خاصیت امولسیون کنندگی در آرد حاصل از سه گونه کانولا مقدار مناسبی را نشان داد و حتی از آرد سویا نیز میزان بیشتری داشت. همچنین در آرد نوع پوست گیری شده، فعالیت امولسیون کنندگی بیشتر از آرد کامل بوده است. در پژوهشی توسط ادبوال و همکاران (۲۰۰۴) مشخص گردید که به طور کلی، هر چه غلظت آرد افزایش یابد، میزان خواص امولسیون کنندگی کاهش می‌یابد. در تمام غلظتهای مورد مطالعه (۲ تا ۱۰ درصد)، آرد بامبارا گراندانات دارای بیشترین ظرفیت امولسیون کنندگی و کمترین آن مربوط به آرد جکبین بوده است. ارتباط فعالیت امولسیون کنندگی و غلظت توسط این محققان بر طبق سینستیک جذب توضیح داده شده است.

امولسیون‌ها و کف‌ها دو سیستم فازی هستند که در آنها یک فاز پراکنده در یک فاز آبی پیوسته وجود دارد (یو و همکاران، ۲۰۰۷؛ نصری و وثینای، ۲۰۰۷). کارایی پروتئین‌ها به عنوان امولسیفایر بستگی به سطح آبیگری و بار الکتریکی، اثرات استری، الاستیسیته و سختی و ویسکوزیته آنها در محلول دارد. پروتئینهای حلقوی (کروی) که ساختار پایداری و خاصیت آبدوستی زیادی دارند، زمانی به عنوان امولسیفایر خوب تلقی می‌شوند که از یکدیگر باز شوند. با این حال، خواص امولسیون کنندگی به صورت خطی با افزایش آبیگری پروتئین افزایش نمی‌یابد بلکه این خواص بستگی به تعادل آبدوست چربی دوست دارد.  $pH$  محیط به وسیله‌ی تغییر در حلالیت و سطح آبیگری پروتئین و همچنین تغییر در میزان بار الکتریکی لایه محافظ اطراف گلبولهای چربی، بر روی خواص امولسیون کنندگی اثر گذار می‌باشد. از عوامل دیگری می‌توان به یونها اشاره نمود که با تغییر در برهم کنشهای الکترواستاتیک و تغییر آرایش فضایی و حلالیت پروتئین بر روی امولسیون کنندگی موثرند (ادبوال و همکاران، ۲۰۰۴؛ سینا و سریده‌ها، ۲۰۰۵).

## مواد و روش‌ها

### تهیه و آماده سازی آرد حبوبات

یونی محیط بر روی خواص مذکور نیز بررسی گردید. بطوریکه محدوده pH ۲، ۴، ۶ و ۸ و ۱۰ توسط سود سوزآور و اسید کلریدریک ۰/۵ مولار و غلظت یونی در مقادیر صفر، نیم و یک مولار دیسپرسیون های مختلف آردی تهیه گردید و خصوصیت کف کنندگی و پایداری کف با اعمال این پارامترها مورد مطالعه قرار گرفت.

### آزمون تعیین مقدار پروتئین های محلول

تعیین مقدار پروتئین های محلول در نمونه های مذکور، توسط روش بیوره انجام گرفت. ۰/۵ گرم از آرد حبوبات در بالن ۵۰ سی سی ریخته شده و حدود ۳۰ تا ۴۰ میلی لیتر به آن آب مقطر اضافه می کنیم. توسط سود سوزآور ۰/۱ مولار و اسید کلریدریک ۰/۱ مولار که در داخل بورت ریخته ایم pH نمونه را تنظیم می کنیم، به طوری که pH های مختلفی در محدوده ۲ تا ۱۰ توسط pH متر (مدل ۸۲۷ شرکت متیوهم) تهیه نموده و خوب هم می زنیم. سپس حجم را به ۵۰ سی سی می رسانیم. بالن ها را بر روی همزن مغناطیسی (مدل ۱۵۰ شرکت فن آزماگستر) گذاشته و به مدت ۰/۵ ساعت خوب هم می زنیم. سپس داخل فالكون های ۵۰ سی سی مقداری از نمونه ها را ریخته و آنها را در داخل سانتی فوژ یخچال دار (مدل ۳۰ کاسا ۳۰ شرکت سیگما) قرار داده و به مدت ۲۰ دقیقه با دور ۳۵۰۰ سانتی فوژ می کنیم. محلول سوپرناتانت را جدا می کنیم. در لوله آزمایش ریخته و مجدداً pH محلول سوپرناتانت را اندازه گیری کرده و یادداشت می کنیم. از سوپرناتانت، ۰/۵ میلی لیتر را داخل لوله آزمایش ریخته و ۴/۵ میلی لیتر محلول بیوره به آن اضافه می کنیم. بعد از مخلوط کردن، حدود ۲۰ دقیقه در درجه حرارت اتاق کنار گذاشته می شود. سپس توسط اسپکتروفوتومتر (مدل تی ۸۰ شرکت پی جی اینسترومنت) جذب محلول و نمونه شاهد در طول موج ۵۴۰ نانومتر اندازه گیری می شود (AOAC، ۲۰۰۵).

### آنالیز آماری داده ها

انتخاب نمونه ها در قالب طرح کاملاً تصادفی بوده و هر یک از آزمون ها در سه تکرار انجام گرفت. تجزیه و تحلیل آماری نتایج بدست آمده با استفاده از نرم افزار مینیتب (نسخه ۱۶) و آزمون دانکن برای تعیین درجه اهمیت تفاوت در میانگین ها انجام پذیرفت. در صورتیکه اختلاف بین میانگین ها در  $P < 0.05$  معنی دار باشد، این اختلاف مهم در نظر گرفته می شود. برای رسم نمودارها از نرم افزار اکسل استفاده شد.

### نتایج و بحث

#### ظرفیت امولسیون کنندگی

با توجه به نمودار ۱ ملاحظه می شود ظرفیت امولسیون کنندگی

ابتدا میزان ۳ کیلوگرم از واریته های شناسنامه دار هر یک از حبوبات مختلف شامل نخود، عدس، لوبیا قرمز و لوبیا چیتی از مرکز تحقیقات کشاورزی استان گلستان (گرگان) تهیه گردید. حبوبات در ظروف درب دار ریخته شده و بعد از انتقال به آزمایشگاه توسط آسیاب چکنی به آرد تبدیل شدند. پس از مخلوط کردن و همگن نمودن نمونه های آرد، از الک با مش مناسب (۶۸ - ۴۰) عبور داده شدند. در انتها نمونه های آرد در کیسه های پلاستیکی ریخته شد و در داخل ظروف درب دار در یخچال نگهداری شدند. آزمونهای تعیین ترکیبات شیمیایی بر اساس استاندارد AOAC (۲۰۰۵) انجام شدند.

#### ظرفیت امولسیون کنندگی و پایداری امولسیون

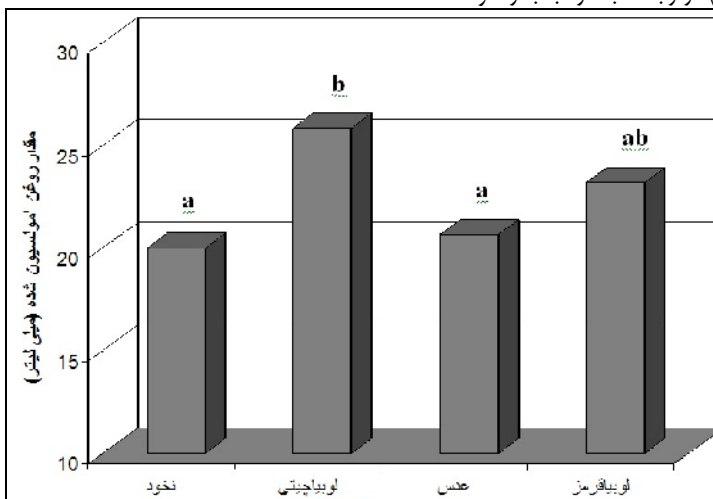
ظرفیت امولسیون کنندگی طبق روش آرمو و همکاران (۲۰۰۷) انجام گردید به طوری که ۱/۵ گرم از نمونه با ۲۵ میلی لیتر آب مقطر در داخل مخلوط کن خانگی سانی به مدت ۳۰ ثانیه با دور کند خوب مخلوط شد. سپس روغن تصفیه شده سویا توسط بورت و به صورت قطره قطره از بالا اضافه شده و همزدن انجام گردید تا زمانیکه جدا شدن دو فاز از طریق تغییر در صدای شافت و یا بطور مستقیم مشاهده شود (مخلوط کردن هر یک دقیقه یکبار متوقف شده و شکستن امولسیون کنترل گردید). برای محاسبه ی پایداری امولسیون، نمونه تهیه شده در یک استوانه ی مدرج ریخته شد و زمانی که دو فاز شدن در امولسیون رخ داد به عنوان نقطه شکستگی امولسیون مطرح شد. تعیین پایداری امولسیون در زمان های صفر، ۴۵، ۹۰ و ۱۲۰ دقیقه انجام گردید. همچنین، ظرفیت امولسیون کنندگی در pH های مختلف (۲، ۴، ۶، ۸ و ۱۰) و غلظت های متفاوت نمک (صفر، نیم و یک مولار) مورد پژوهش قرار گرفت. برای تنظیم pH هر یک از نمونه ها از سود سوزآور و اسید کلریدریک ۰/۱ مولار استفاده شد.

#### خواص کف کنندگی و پایداری کف

روش ادبوال (۲۰۰۴) برای بررسی خاصیت کف کنندگی و پایداری کف حبوبات مورد استفاده قرار گرفت. به ۵ گرم آرد، ۱۰۰ میلی لیتر آب مقطر اضافه شد. پس از مخلوط شدن توسط مخلوط کن خانگی سانی به مدت ۲ دقیقه با سرعت تند (شماره ۲) در داخل استوانه مدرج ۲۵۰ سی سی ریخته شد و حجم آن ثبت گردید. درصد کف عبارت است از نسبت اختلاف حجم بین بعد و قبل از مخلوط کردن به حجم کف قبل از مخلوط کردن ضربدر ۱۰۰. پایداری کف نیز به صورت حجم کف باقیمانده پس از زمان ۳۰، ۶۰، ۹۰ و ۱۲۰ دقیقه بیان گردید. همچنین مطالعات اثر pH و غلظت

آرد دو نوع لوبیا (قرمز و چیتی) بیشتر از نخود و عدس است که از لحاظ آماری نیز معنی دار می باشد ( $p < 0/05$ ). اما اختلاف در مقدار روغن امولسیون شده توسط آرد نخود و عدس معنی دار نبوده است ( $p > 0/05$ ). بطور کلی این مقادیر به مراتب کمتر از مقادیر ذکر شده توسط یوسف و همکاران (۲۰۰۸) در رابطه با آرد بامبارا گراندانات

آرد دو نوع لوبیا (قرمز و چیتی) بیشتر از نخود و عدس است که از لحاظ آماری نیز معنی دار می باشد ( $p < 0/05$ ). اما اختلاف در مقدار روغن امولسیون شده توسط آرد نخود و عدس معنی دار نبوده است ( $p > 0/05$ ). بطور کلی این مقادیر به مراتب کمتر از مقادیر ذکر شده توسط یوسف و همکاران (۲۰۰۸) در رابطه با آرد بامبارا گراندانات



نمودار ۴ ظرفیت امولسیون کنندگی آرد حبوبات مختلف بر حسب مقدار روغن امولسیون شده

کنندگی در نقطه ی ایزوالکتریک بر اساس اکثر مقالات منتشر شده به کاهش حلالیت پروتئین در این نقطه مربوط می شود (راگاب و همکاران، ۲۰۰۴؛ نصری و تینای، ۲۰۰۷؛ لاول و همکاران، ۲۰۰۵؛ ادمولان، ۲۰۰۵).

برخی پژوهشگران نیز چنین عنوان کرده اند که تنها افزایش نیتروژن محلول باعث افزایش قدرت امولسیون کنندگی نمونه نمی شود و عوامل دیگری نظیر بار خالص، pH، کشش سطحی، شکل فضایی پروتئین، غلظت نمک و غلظت پروتئین نیز در این رابطه موثر است (لاول و همکاران، ۲۰۰۴؛ ادبول و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین ادبول و لاول (۲۰۰۴) اختلاف در فعالیت امولسیونی آردهای مختلف را به دلیل برهم کنش ترکیبات دیگر آرد با پروتئین و با یکدیگر عنوان نموده اند که بر این ویژگی تأثیر گذار است. به عنوان مثال میزان بالای کربوهیدرات را دلیل کاهش این خاصیت پیش بینی کرده اند.

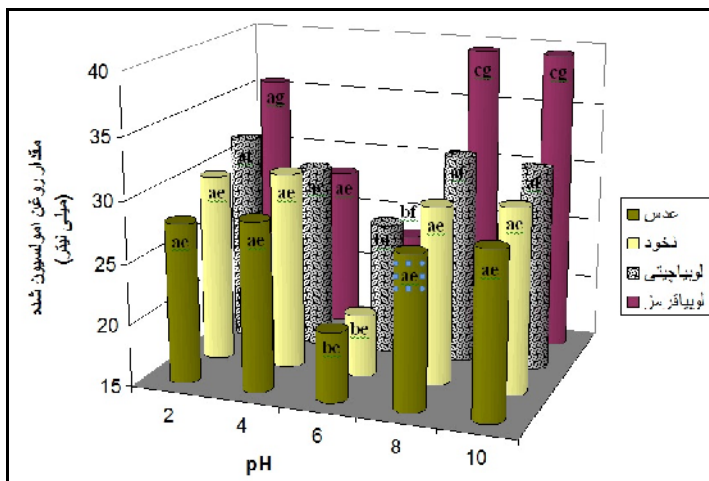
با توجه به داده های بدست آمده (نمودار ۲) می توان ملاحظه کرد که بیشترین ظرفیت امولسیون کنندگی آرد لوبیا چیتی در محدوده ی pH خنثی و آرد لوبیا قرمز در  $pH=8$  و  $pH=10$  دیده شده است که دقیقاً منطبق بر نمودار حلالیت پروتئین (نمودار ۳) می باشد. در پژوهش های مشابه، نصری و تینای (۲۰۰۵) بیشترین ظرفیت امولسیون کنندگی کنستانتره پروتئینی فنوگریک را در  $pH=12$ ، ادبول و لاول (۲۰۰۴) بیشترین میزان فعالیت امولسیونی آرد سه نوع حبوبات را در  $pH=10$  و سینا و سریدها (۲۰۰۵) بیشترین میزان امولسیون کنندگی

با توجه به نتایج بدست آمده می توان چنین بیان نمود که آرد لوبیا چیتی دارای بیشترین خاصیت امولسیون کنندگی است که احتمالاً ناشی از وجود تعداد زیادی سایت های آبدوست و آبگریز (چربی دوست) در بیوپلیمرهای پروتئینی آن می باشد. البته در مورد آرد نخود و عدس نیز می توان چنین توجیه نمود که دلیل مقادیر بالای چربی در آرد مربوط به این حبوبات، بخشی از ظرفیت امولسیون کنندگی آنها قبلاً اشباع شده است و لذا ظرفیت پذیرش روغن اضافی آنها کمتر از آرد لوبیا چیتی و لوبیا قرمز می باشد. لازم به توضیح است که میزان چربی در آرد نمونه های مورد آزمون عبارت بود از نخود ۵/۱۷ درصد، لوبیا چیتی ۱/۶۷ درصد، عدس ۲/۴۳ درصد و لوبیا قرمز ۱/۶۰ درصد.

#### تأثیر pH بر میزان امولسیون کنندگی حبوبات

نمودار ۲ نشان می دهد که کمترین مقدار ظرفیت امولسیون کنندگی آرد حبوبات مختلف در pH ایزوالکتریک (حدود ۴) بوده است. این موضوع در مورد آرد لوبیا قرمز کاملاً آشکار و معنی دار ( $p < 0/05$ ) است. در مورد آرد نخود و عدس اختلاف معنی داری در pH های مختلف در رابطه قدرت امولسیون کنندگی وجود نداشته است ( $p > 0/05$ ). در محدوده ی pH خنثی، بیشترین مقدار امولسیون کنندگی مربوط به آرد لوبیا چیتی می باشد (به میزان ۲۵/۸۳ میلی لیتر روغن به ازای هر گرم آرد). دلیل کاهش خاصیت امولسیون

آرد کانالیا رادر pH=۱۰ بدست آوردند که مشابه نتایج این پژوهش می باشد.



نمودار ۴ تاثیر pH بر ظرفیت امولسیون کنندگی آرد حبوبات مختلف.

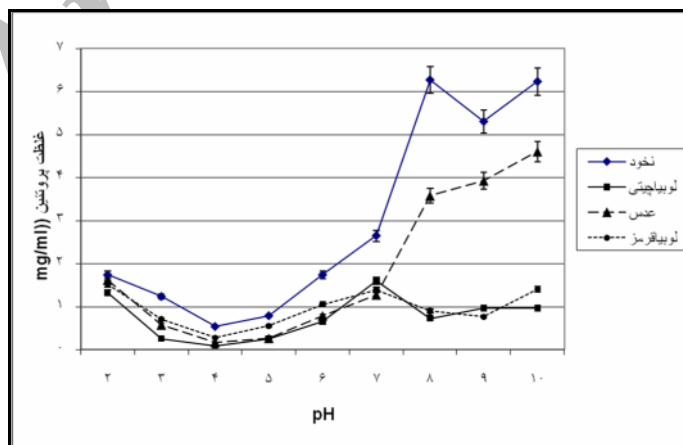
\*نتایجی که دارای حروف غیر مشابه هستند (حرف اول درمقادیر مختلف pH و حرف دوم در بین حبوبات مختلف)، با هم از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار هستند ( $p < 0.05$ ).

غلظت نمک تا حد ۰/۵ مولار باعث افزایش قدرت امولسیون کنندگی شده است که تا حدودی با نتایج به دست آمده در این پژوهش مشابه است.

در نتیجه، احتمالاً افزایش غلظت نمک تا حدود ۰/۴ - ۰/۲ مولار باعث بهبود ویژگی امولسیون کنندگی آرد حبوبات شده و پس از آن روند کاهشی وجود خواهد داشت. با توجه به اینکه اولین غلظت مورد مطالعه نمک در این پژوهش حدود ۰/۵ مولار بوده و کمتر از آن مورد بررسی قرار نگرفت می توان استدلال نمود که علت عدم تغییر ویژگی امولسیون کنندگی در آرد سه نمونه عدس، نخود و لوبیا قرمز به خاطر روند ترکیبی افزایش و کاهش این ویژگی در غلظت کمتر از ۰/۵ مولار می باشد.

### تأثیر غلظت نمک بر ظرفیت امولسیون کنندگی حبوبات

مطابق جدول ۱ مشاهده می شود که در آرد سه نمونه ی نخود، عدس و لوبیا قرمز افزایش غلظت نمک تا حدود ۰/۵ مولار تاثیر قابل توجه و معنی داری را بر روی کاهش و یا افزایش ظرفیت امولسیون کنندگی نداشته است ( $p < 0.05$ ) که این موضوع ممکن است به نوع و شکل فضایی پروتئین های ساختمانی در قدرتهای یونی مختلف مربوط باشد. به عنوان مثال در تحقیقی که لاوال و همکاران (۲۰۰۵) بر روی آرد لوبیایی لوکاست انجام داد، تا غلظت نمک حدود ۰/۲ مولار ظرفیت امولسیون کنندگی افزایش و پس از آن کاهش یافت اما در مطالعه راگاب و همکاران (۲۰۰۵) بر روی پروتئین نخود، افزایش



نمودار ۴ حالیت پروتئین آرد حبوبات درمقادیر مختلف pH

جدول ۴ تاثیر غلظت نمک بر مقدار روغن امولسیون شده (برحسب میلی لیتر) توسط آرد حبوبات مختلف

نمونه/ غلظت نمک (مولار)	صفر	۰/۵	۱/۰
آرد نخود	<sup>a</sup> ۳۰	<sup>a</sup> ۳۱	<sup>a</sup> ۲۸/۲۵
آرد لوبیا چیتی	<sup>b</sup> ۳۸/۷۵	<sup>a</sup> ۳۰	<sup>b</sup> ۲۳
آرد عدس	<sup>a</sup> ۳۱	<sup>a</sup> ۳۰	<sup>a,b</sup> ۲۵/۷۵
آرد لوبیا قرمز	<sup>a,b</sup> ۳۴/۷۵	<sup>b</sup> ۳۶	<sup>b</sup> ۲۴/۷۵

بالای نمک در مورد آرد لوبیا چیتی از همه بیشتر بوده است طوریکه بیشترین ناپایداری مربوط به امولسیون آرد لوبیا چیتی در غلظتهای نیم و یک مولار می باشد.

بطور کلی در تمام نمونه ها با افزایش غلظت نمک، پایداری امولسیون کاهش یافته است که این موضوع با نتایج لاوال و همکاران (۲۰۰۵) مشابه است.

نکته قابل توجه دیگر پایداری امولسیون آرد لوبیا قرمز در  $pH=4$  در حد بالا است به گونه ای که در این  $pH$  یک امولسیون ویسکوز تشکیل می شود که حتی پس از ۲۴ ساعت نیز حالت پایدار خود را حفظ می نماید بر خلاف سایر نمونه ها که خیلی زودتر پایداری خود را از دست دادند. نکته جالب توجه دیگر این است که در  $pH$  قلیایی، امولسیون ها پایداری بهتری نسبت به  $pH$  اسیدی داشته اند به عنوان مثال پایداری امولسیون ها در  $pH=10$  به مراتب بهتر از  $pH=2$  بوده است که با نتایج راگاب و همکاران (۲۰۰۴)، ادیوال و لاوال (۲۰۰۴) و نصری و تینای (۲۰۰۷) مطابقت دارد. فاکتورهای متفاوتی نظیر  $pH$ ، اندازه ذرات، بارخالص، کشش بین سطحی، ویسکوزیته و شکل فضایی پروتئین در پایداری امولسیون موثر هستند.

تفاوت در پایداری امولسیون در نمونه های مختلف ممکن است به دلیل تفاوت در شکل فضایی پروتئین های ساختمانی در قدرتهای یونی مختلف و همچنین ترکیب پروتئینی متفاوت آنها باشد. علت افزایش پایداری امولسیون لوبیا قرمز در  $pH=4$  نیز می تواند به دلیل دناتوره شدن پروتئین باشد که باعث افزایش چسبندگی دو طرفه بین فاز چربی و آب شده و در نتیجه مقاومت و استحکام لایه بین آب و روغن را بیشتر می کند (لاوال و همکاران، ۲۰۰۵).

همچنین، علت افزایش ویسکوزیته در  $pH$  های ذکر شده در مورد لوبیا قرمز ممکن است به دلیل افزایش واکنش های بین پروتئینی (از طریق کاهش نیروی دافعه) باشد که باعث افزایش ویسکوزیته و تسهیل در تشکیل فیلم پروتئینی چند لایه در فضای بین دو فاز می شود و در نتیجه باعث کاهش مهاجرت پروتئین از داخل فیلم به خارج شده و در نهایت پایداری امولسیون را افزایش می دهد (لاوال و همکاران، ۲۰۰۵).

#### میزان کف کنندگی

بر اساس نمودار ۴ آرد لوبیای قرمز و چیتی دارای بیشترین میزان

در مورد آرد لوبیا چیتی تغییر کاملاً محسوس است و افزایش غلظت نمک به ۰/۵ مولار، خواص امولسیون کنندگی آن را بطور معنی داری کاهش داده است ( $p < 0/05$ ) که با نتایج لاوال و همکاران (۲۰۰۵) در مورد آرد لوبیای لوکاست، ادوملام (۲۰۰۵) در مورد آرد جعفری، سینا و سریدها (۲۰۰۵) در رابطه با آرد کاناوالیا و ادیوال و لاوال (۲۰۰۴) در مورد آرد جکبین مطابقت دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده، مشاهده می شود که وجود اختلاف در رابطه با اثر غلظت نمک بر روی خواص امولسیون کنندگی ممکن است مربوط به ترکیب اسیدهای آمینه موجود در پروتئین حبوبات مورد آزمایش باشد. اما نکته قابل توجه کاهش میزان خاصیت امولسیون کنندگی تمام نمونه های آرد حبوبات با افزایش غلظت نمک به حدود یک مولار است که با نتایج تمام پژوهش های منتشر شده مطابقت دارد.

خاصیت امولسیفایری بیوپلیمرهای پروتئین بستگی به قابلیت آن در پایین آوردن کشش سطحی بین آب و روغن در امولسیون دارد. فعالیت سطحی باعث مهاجرت آسان پروتئین، باز شدن و نوآرایی مجدد آن در لایه بین سطحی آب و روغن می شود. احتمالاً نمک ها در غلظتهای بالا این فعالیت سطحی را کاهش می دهند و در نهایت منجر به کاهش قدرت امولسیون کنندگی خواهد شد (اوگانگ بنله، ۲۰۰۸).

#### پایداری امولسیون های مربوط به آرد حبوبات

کاهش در مقدار پایداری امولسیون با گذشت زمان ممکن است به دلیل تماس بیشتر بین قطرات و در نتیجه تجمع (لخته شدن) و به هم پیوستن قطرات روغن بعنوان فاز پراکنده باشد. با توجه به داده های بدست آمده در مورد نقطه ی شکست مشخص شد که در تمام مقادیر  $pH$  مورد مطالعه، امولسیون آرد لوبیا قرمز دارای پایداری بهتری نسبت به سه نمونه دیگر یعنی نخود، عدس و لوبیا چیتی بوده است. این موضوع در مورد غلظتهای نمک مورد استفاده نیز روند مشابهی داشته است. اما حساسیت نمونه ها به غلظت نمک به خصوص در غلظت یک مولار خیلی بیشتر از حساسیت نسبت به  $pH$  بوده است و بلافاصله نمونه ها در مقادیر بالای نمک دو فاز شده اند که این داده ها با نتایج نصری و تینای (۲۰۰۷) مطابقت دارد. حساسیت به غلظت

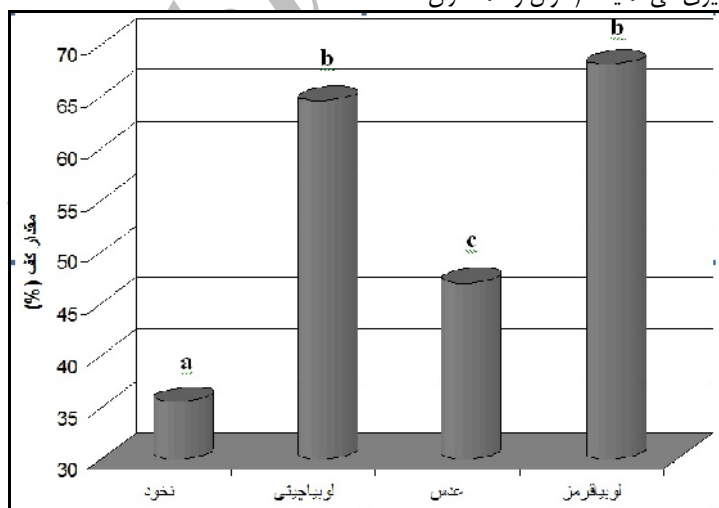
۲۰۰۵).

### تأثیر pH بر ظرفیت کف کنندگی حبوبات

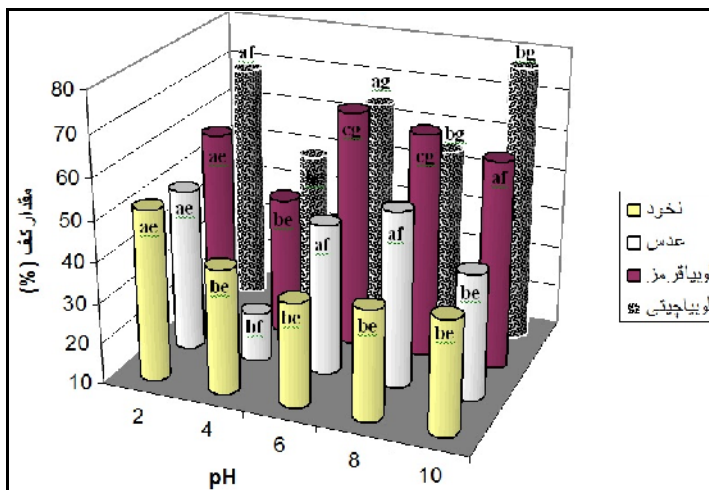
بر طبق نتایج بدست آمده (نمودار ۵) می‌توان دید که کمترین مقدار کف در تمام نمونه‌ها در  $pH=4$  (pH ایزوالکتریک) می‌باشد که با نتایج بدست آمده توسط اکثر پژوهشگران مطابقت دارد از جمله آروگنداد و همکاران (۲۰۰۶)، آدیوال و همکاران (۲۰۰۵)، راگاب و همکاران (۲۰۰۴)، نصری و تینای (۲۰۰۷) و لاوال و ادیوال (۲۰۰۴). این پژوهشگران کاهش کف کنندگی در pH ایزوالکتریک را به دلیل فشرده تر بودن پروتئین نسبت به pH های دیگر عنوان کرده‌اند. همانطور که در نمودار ۵ مشخص شده است، لوبیا چیتی در محدوده ی pH بین ۲ تا ۱۰ بیشترین میزان کف کنندگی را داشته است. دلیل این موضوع یعنی افزایش میزان کف کنندگی در pH های اسیدی و قلیایی احتمالاً افزایش بار خالص پروتئین است که واکنش های آبریزی را ضعیف کرده و با افزایش حلالیت و انعطاف پذیری پروتئین، پراکنندگی آن را در فضای بین هوا آب سریعتر کرده و باعث به دام افتادن ذرات هوا و در نتیجه افزایش میزان کف کنندگی شده است. در مورد آرد نخود نیز همانطور که قبلاً ذکر شد به دلیل میزان بالای چربی در آن پس از نقطه ی ایزوالکتریک (نمودار ۳) میزان کف کنندگی تفاوت چندانی نداشته است و در مجموع، در بین تمام داده های مورد بررسی کمترین میزان کف کنندگی را در pH خنثی تا قلیایی داشته است.

کف کنندگی و آرد نخود کمترین میزان را داشته است به طوری که آرد لوبیای قرمز، لوبیای چیتی، عدس، و نخود به ترتیب دارای ۶۸/۵، ۴۷/۵ و ۳۵/۵ درصد ظرفیت کف کنندگی بوده‌اند. می‌توان وجود اختلاف در میزان کف کنندگی حبوبات مختلف را به مقدار و نوع پروتئین های محلول در آنها و همچنین میزان لیپیدهای قطبی و غیر قطبی موجود در آنها نسبت داد. به عبارت دیگر قابلیت کف کنندگی مناسب بستگی به وجود مولکولهای پروتئین انعطاف پذیری دارد که قادرند کشش سطحی را کاهش دهند درحالی که قابلیت کف کنندگی ضعیف به پروتئین های کروی مربوط می‌شود که به طور خیلی منظم قرار دارند و در برابر دنا تورا سیون سطحی مقاومت می‌کنند (الادته و آرینا، ۲۰۰۷).

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میزان کف کنندگی نمونه های مورد آزمایش از میزان کف حبوبات مورد بررسی توسط آرمو و همکاران (۲۰۰۷) با حدود ۷/۹ تا ۲۸/۱ درصد و همچنین داده های اباتولو و همکاران (۲۰۰۱) بر روی آرد لوبیای یام با حدود ۴۰٪ و نیز نتایج مانیندر و همکاران (۲۰۰۷) در مورد آرد پیچینی با حدود ۳۷/۳٪ بیشتر بوده است اما در مقایسه با آرد سویا و آرد آفتابگردان این مقدار کمتر بوده است. میزان کم ظرفیت کف کنندگی آرد نخود نسبت به نمونه های دیگر ممکن است به دلیل وجود محتوای بالای چربی در نخود باشد زیرا زمانیکه لیپیدها در غلظت بیشتر از ۵٪ وجود دارند به طور قابل ملاحظه ای خواص کف کنندگی پروتئین را کاهش می‌دهند. به بیان دیگر لیپیدها دارای فعالیتی سطحی بیشتری نسبت به پروتئین هستند و به سرعت در سطح هوا آب جذب شده و از جذب پروتئین در طی تشکیل کف جلوگیری می‌نمایند (لاوال و همکاران،



نمودار ۵ ظرفیت کف کنندگی آرد حبوبات مختلف (برحسب درصد)



نمودار ۵. تأثیر pH بر ظرفیت کف کنندگی آرد حبوبات مختلف (بر حسب درصد).

\*نتایجی که دارای حروف غیر مشابه هستند (حرف اول در مقادیر مختلف pH و حرف دوم در بین حبوبات مختلف)، با هم از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار هستند ( $p < 0.05$ )

تفاوت مشاهده شده در میزان کف کنندگی آرد نمونه های مختلف با اعمال قدرتهای یونی متفاوت ممکن است به دلیل اختلاف فیزیولوژیکی در ترکیب پروتئین و حضور ترکیبات دیگر نظیر لیپیدها، کربوهیدراتها و غیره باشد که در بین نمونه ها، مقادیر مختلف دارند.

#### پایداری کف تشکیل شده توسط آرد حبوبات

همانطور که مشخص است در تمام نمونه ها بدون در نظر گرفتن pH با گذشت زمان، پایداری کف کاهش می یابد (نمودار ۷). نکته قابل توجه دیگر، پایداری بیشتر کف در pH ایزوالکتریک (pH=4) نسبت به pH های دیگر است که با نتایج بسیاری از پژوهگران نظیر لاوال و همکاران (۲۰۰۴)، نصری و تینای (۲۰۰۷)، آرمو و همکاران (۲۰۰۷) و اروگاند و همکاران (۲۰۰۶) مطابقت دارد و تنها بر خلاف داده های سینا و سریدها (۲۰۰۵) می باشد که کمترین میزان پایداری کف را در pH ایزوالکتریک به دست آوردند.

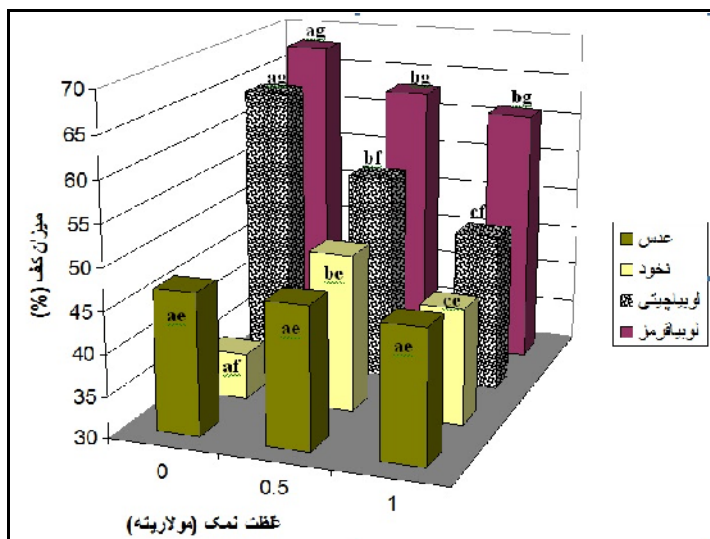
بر طبق نظر لاوال و همکاران (۲۰۰۵) در نقطه ایزوالکتریک به علت کاهش واکنش های دافعه بین مولکولها، سرعت تشکیل یک لایه ویسکوز در بین دو فاز هوا - آب افزایش می یابد که باعث ایجاد یک لایه پایدار در فضای بین آب هوا شده و در نهایت منجر به پایداری کف خواهد شد. همچنین، علت پایداری بیشتر کف در نقطه ایزوالکتریک احتمالاً به خاطر پایداری بیشتر پروتئین های پایدار کننده کف در این نقطه نسبت به pH های دیگر می باشد.

#### تأثیر غلظت نمک بر ظرفیت کف کنندگی حبوبات

با توجه به نمودار ۶ مشاهده می شود که تمام نمونه ها از یک روند خاص تبعیت نمی کند به طوریکه افزایش غلظت نمک تا حد ۰/۵ مولار باعث افزایش کف کنندگی در نخود شده است اما این موضوع در مورد عدس تأثیر چندانی نداشته و در مورد لوبیا قرمز و لوبیا چیتی، کاهش در میزان کف کنندگی را به دنبال داشته است. تأثیر غلظت نمک بر روی خواص کف کنندگی لوبیا چیتی (مانند خاصیت امولسیون کنندگی آن) کاملاً محسوس است بطوریکه غلظت ۰/۵ مولار نمک باعث کاهش کف از ۶۴/۵٪ به ۵۵٪ شده است و افزایش غلظت نمک تا یک مولار این مقدار را تا حد ۴۹٪ کاهش داده است. این نتایج با داده های ارائه شده توسط ادیوال و لاوال (۲۰۰۴) در مورد آرد جکبین و موکونابین مطابقت دارد. همچنین نصری و تینای (۲۰۰۷)، سینا و سریدها (۲۰۰۵) و لاوال و همکاران (۲۰۰۵) در مورد تأثیر غلظت نمک بر میزان کف کنندگی حبوبات مختلف نتایج مشابهی را بدست آوردند.

داده های بدست آمده در مورد نخود با داده های گزارش شده در مورد بامبارا گراندنات (ادیوال و لاوال، ۲۰۰۴) مطابقت دارد که با افزایش غلظت نمک تا ۱/۰ مولار، میزان کف کنندگی افزایش داشته است. همچنین راگاب و همکاران (۲۰۰۴) مشاهده کردند که با افزایش نمک تا حدود ۴/۰ مولار، خاصیت کف کنندگی ایزوله پروتئینی نخود افزایش یافته است. به طور کلی، افزایش خاصیت کف کنندگی بستگی به دناتوراسیون جزئی پروتئین و در نتیجه، افزایش یا بهبود حالیت آن در فضای بین سطحی کلوتیدی سوسپانسیون طول فرآیند تشکیل کف دارد.



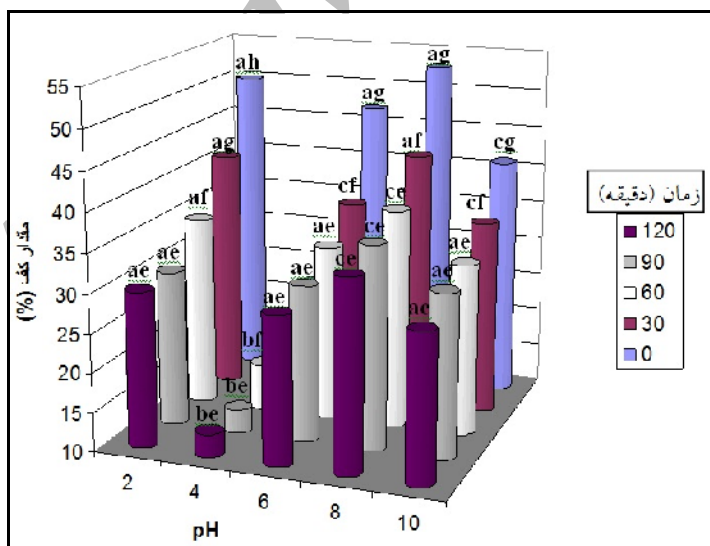


نمودار ۶- تأثیر غلظت نمک بر ظرفیت کف کنندگی آرد حبوبات مختلف (برحسب درصد).

\*نتایجی که دارای حروف غیر مشابه هستند (حرف اول در مقادیر مختلف غلظت نمک و حرف دوم در بین حبوبات مختلف)، با هم از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار هستند ( $p < 0.05$ )

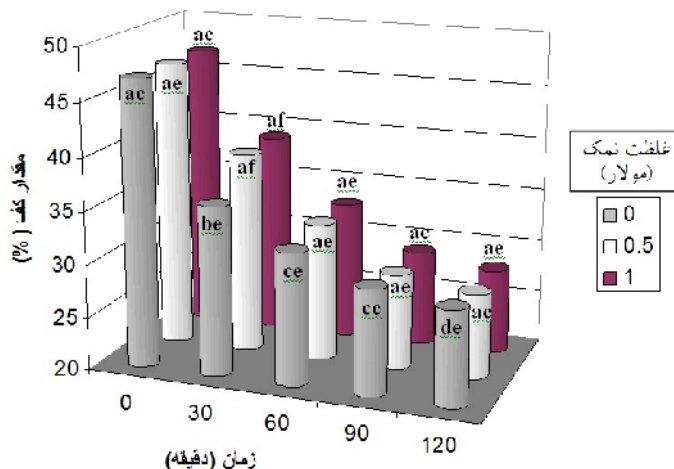
در مورد عدس در pH = 2 حدود ۱۸٪، در pH = 4 ۱۳٪، در pH = 6 ۱۹٪، در pH = 8 ۱۸٪، در pH = 10 حدود ۱۵٪ بوده است. در نتیجه در pH ایزوالکتریک میزان پایداری کف بیشتر از pH های دیگر می‌باشد (نمودار ۷).

نکته مهم دیگر، کاهش سریعتر میزان کف در نیم ساعت اول می‌باشد که پس از این مدت، کاهش حجم کف به صورت تدریجی انجام گرفته است (پایداری کف نیز در این مدت که زمان بحرانی است سنجیده می‌شود). به عنوان مثال میزان کاهش کف در این مدت



نمودار ۷- پایداری کف حاصل از آرد عدس (برحسب درصد) در مقادیر مختلف pH

\*نتایجی که دارای حروف غیر مشابه هستند (حرف اول در مقادیر مختلف pH و حرف دوم در بین زمان های مختلف)، با هم از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار هستند ( $p < 0.05$ )



نمودار ۸ پایداری کف حاصل از آرد عدس (بر حسب درصد) در غلظت های مختلف نمک.

\*نتایجی که دارای حروف غیر مشابه هستند (حرف اول درمقادیر مختلف زمان و حرف دوم در بین غلظت های مختلف نمک)، با هم از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار هستند ( $P < 0.05$ )

غلظت بحرانی نمک در مورد مواد مختلف متفاوت است مثلاً در مورد آرد لوبیای لوکاست، افزایش غلظت تا ۰/۴ مولار (لاوال و همکاران، ۲۰۰۵) و در مورد یک گونه از کاناولیا تا ۰/۲ مولار و در مورد گونه دیگر آن ۰/۴ مولار بیشترین پایداری کف را داشته است (سینا و سریدها، ۲۰۰۵) و افزایش غلظت نمک بیش از میزان ذکر شده باعث کاهش پایداری کف شده است. در مورد نخود همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود بر خلاف روند متداول، افزایش غلظت نمک تأثیر چندانی بر روی پایداری کف نداشته است و فقط در غلظت ۰/۵ مولار طی ۳۰ دقیقه اول، کف به میزان ۲۴٪ کاهش یافته است در حالیکه در غلظتهای صفر و یک مولار این میزان ۴۰٪ کاهش را نشان می دهد که از نظر آماری معنی دار ( $P < 0.05$ ) است. میزان پایداری کف پس از مدت یک ساعت در نمونه شاهد (بدون نمک) بهتر از اعمال قدرت یونی نیم و یک مولار بوده است اما این غلظت ها اثر معنی داری ( $P > 0.05$ ) نشان نمی دهند.

در مورد پایداری کف در غلظت های مختلف نمک نیز طبق نمودار ۸، بدون در نظر گرفتن غلظت نمک، با افزایش زمان، میزان کف کاهش می یابد. پایداری کف با توجه به غلظت نمک در نمونه های مختلف روند متفاوتی را نشان می دهد. برای مثال در مورد عدس، غلظت نمک تأثیر چندانی را بر روی خاصیت کف کنندگی ایفا نکرده است. اما پایداری آن با افزایش غلظت نمک به میزان یک مولار افزایش داشته است که این نتایج با داده های به دست آمده در مورد آرد بامبارا گراندنات (ادبول و لاوال، ۲۰۰۴) مطابقت دارد. احتمالاً افزایش پایداری کف با زیاد شدن غلظت نمک ناشی از افزایش میل ترکیبی بین مولکولهای پروتئین و چسبندگی بیشتر بین آنها و در نتیجه، تشکیل لایه ای با خواص رئولوژیکی قویتر در بین هوا آب میباشد که کف پایدارتری تولید می نماید. همچنین لاوال و همکاران (۲۰۰۴) افزایش غلظت نمک تا مقدار مشخصی برای هر ماده را باعث تسهیل در باز کردن و نوآرایی مجدد پروتئین در فضای بین دو فاز می دانند که این فرایند باعث می شود پروتئین از طریق واکنش های درون مولکولی، یک فیلم چسبنده و ویسکوز را تشکیل دهد و بنابراین، پایداری کف افزایش یابد.

جدول ۴ پایداری کف حاصل از آرد نخود (بر حسب درصد) در غلظت های مختلف نمک

زمان (دقیقه) / غلظت نمک (مولار)	صفر	۰/۵	۱/۰
۰	<sup>a</sup> ۳۵/۵	<sup>a</sup> ۴۹/۰	<sup>a</sup> ۴۴/۰
۳۰	<sup>b</sup> ۲۱/۰	<sup>b</sup> ۳۷/۰	<sup>b</sup> ۲۶/۰
۶۰	<sup>c</sup> ۱۶/۵	<sup>c</sup> ۳۱/۰	<sup>c</sup> ۲۱/۵
۹۰	<sup>c</sup> ۱۵/۰	<sup>d</sup> ۲۴/۰	<sup>c</sup> ۱۹/۰
۱۲۰	<sup>c</sup> ۱۴/۵	<sup>e</sup> ۱۹/۰	<sup>d</sup> ۱۷/۰

\*نتایج ذکر شده در هر ستون که دارای حروف غیر مشابه هستند، با هم از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار هستند ( $P < 0.05$ ).

مورد نیاز نمک ممکن است به دلیل کاهش در دناتوراسیون پروتئین های سطحی باشد که مسوول ایجاد خواص رئولوژیکی مناسب برای پایداری کف می باشند.

### نتیجه گیری

در این پژوهش، ظرفیت امولسیون کنندگی و پایداری آن، ظرفیت کف کنندگی و پایداری آن و اعمال پارامترهای pH و غلظت نمک بر روی این ویژگی ها درمورد آرد نخود، عدس، لوبیا قرمز و لوبیا چیتی مورد بررسی قرار گرفت. در جمع بندی نهایی می توان گفت که آرد لوبیا قرمز بهترین ویژگی های عملکردی را از خود نشان می دهد و علیرغم میزان بالاتر پروتئین در آرد نخود، ویژگی های عملکردی آن در سطح پایین تری نسبت به لوبیا قرمز بوده است. با تغییر pH نسبت به نقطه ایزوالکتریک، ظرفیت امولسیون کنندگی آرد حبوبات مورد مطالعه بیشتر گردید. در رابطه با ظرفیت کف کنندگی، کمترین میزان مربوط به نقطه ایزوالکتریک پروتئین ها بود اما در این نقطه، کف حاصله بیشترین پایداری را نشان داد.

میزان پایداری کف لوبیا قرمز و لوبیا چیتی نیز با اعمال قدرت یونی نیم و یک مولار نمک کاهش می یابد که البته کف لوبیا قرمز پایدارتر است به طوریکه در ۳۰ دقیقه اول در حالت بدون نمک ۹/۵ درصد کاهش کف، در حالت نیم مولار نمک ۱۲/۶ درصد کاهش و در حالت یک مولار این مقدار به ۱۱/۴ درصد کاهش رسیده است. در مورد لوبیا چیتی غلظت نمک تاثیر بیشتری را بر روی پایداری کف ایفا می کند مانند خاصیت کف کنندگی که آرد لوبیا چیتی حساس ترین نمونه به نمک است. به طوریکه افزایش غلظت نمک به حدود یک مولار باعث کاهش ۲۸ درصد کف شده است اما درحالت بدون نمک این میزان ۲۳ درصد بوده است.

داده های بدست آمده با نتایج لاوال و همکاران (۲۰۰۵) در مورد آرد لوبیای لوکاست (غلظت نمک در حد یک مولار باعث کاهش پایداری کف شده است)، لاوال و ادبوال (۲۰۰۴) در مورد آرد جکبین و موکونابین، سینا و سریدها (۲۰۰۵) در مورد آرد دو گونه کانوالیا تطابق دارد اما با داده های مربوط به آرد بامبارا گراندنات که افزایش غلظت نمک تا حد یک مولار باعث افزایش پایداری کف شده است (راگاب و همکاران، ۲۰۰۷) متناقض است. کاهش پایداری کف بیش از غلظت

### منابع

- Abu, J. O., K. Muller, et al. (2005). "Functional properties of cowpea (*Vigna unguiculata* L. Walp) flours and pastes as affected by gamma-irradiation." *Food Chemistry* 93: 103-111.
- Adebowale, K. O. and O. S. Lawal (2004). "Comparative study of the functional properties of bambarra groundnut (*Voandzeia subterranean*), jack bean (*Canavalia ensiformis*) and mucuna bean (*Mucuna pruriens*) flours." *Food Research International* 37(4): 355-365.
- Adebowale, Y. A., I. A. Adeyemi, et al. (2005). "Functional and physicochemical properties of flours of six *Mucuna* species." *African Journal of Biotechnology* 4(12): 1461-1468.
- AOAC (2005). *Official methods of analysis* (18th ed.). Washington, DC, Association of Official Analytical Chemists.
- Aremo, M. O., O. Olaofe, et al. (2007). "Functional properties of some Nigerian varieties of legume seed flours and flour concentration effect on foaming and gelation properties." *Journal of Food Technology* 5(2): 109-115.
- Arogundade, L. A., M. Tshay, et al. (2006). "Effect of ionic strength and/or pH on Extractability and physico-functional characterization of broad bean (*Vicia faba* L.) Protein concentrate." *Food Hydrocolloids* 20: 1124-1134.
- Chau, C. F. and P. C. K. Cheung (1998). "Functional properties of flours prepared from three Chinese indigenous legume seeds." *Food Chemistry* 61(4): 429-433.
- El Nasri, N. A. and A. H. Tinay (2007). "Functional properties of fenugreek (*Trigonella foenum graecum*) protein concentrate." *Food Chemistry* 103: 582-589.
- Gueguen, J. (1998). "Overview on functional properties of grain legume components." *Grain Legumes* 20(2): 13-14.
- Kinsella, J. E. (1981). "Functional properties of proteins: Possible relationships between structure and function in foams." *Food Chemistry* 7(4): 273-288.
- Lawal, O. S. (2004). "Functionality of African locust bean (*Parkia biglobosa*) protein isolate: effects of pH, ionic

- strength and various protein concentrations." *Food Chemistry* 86(3): 345-355.
- Lawal, O. S., K. O. Adebowale, et al. (2005). "On the functional properties of globulin and albumin protein fractions and flours of African locust bean (*Parkia biglobosa*)." *Food Chemistry* 92(4): 681-691.
- Maninder, K., K. S. Sandhu, et al. (2007). "Comparative study of the functional, thermal and pasting properties of flours from different field pea (*Pisum sativum* L.) and pigeon pea (*Cajanus cajan* L.) cultivars." *Food Chemistry* 104(1): 259-267.
- Obatolu, V. A., S. B. Fasoyiro, et al. (2001). "Effect of Processing on Functional Properties of Yam Beans (*Sphenostylis stenocarpa*)." *Food Science and Technological Research* 7(4): 319-322.
- Odoemelam, S. A. (2005). "Functional Properties of Raw and Heat Processed Jackfruit (*Artocarpus heterophyllus*) Flour." *Pakistan Journal of Nutrition* 4(6): 366-370.
- Ogungbenle, H. N. (2008). "Effects of Salt Concentrations on the Functional Properties of Some Legume Flours." *Pakistan Journal of Nutrition* 7(3): 453-458.
- Oladele, A. K. and J. O. Aina (2007). "Chemical composition and functional properties of flour produced from two varieties of tigernut (*Cyperus esculentus*)." *African Journal of Biotechnology* 6(21): 2473-2476.
- Ragab, D. M., E. E. Babiker, et al. (2004). "Fractionation, solubility and functional properties of cowpea (*Vigna unguiculata*) proteins as affected by pH and/or salt concentration." *Food Chemistry* 84(2): 207-212.
- Seena, S. and K. R. Sridhar (2005). "Physicochemical, functional and cooking properties of under explored legumes, *Canavalia* of the southwest coast of India." *Food Research International* 38: 803-814.
- Vadivel, V. and K. Janardhanan (2001). "Nutritional and anti-nutritional attributes of the under-utilized legume, *Cassia floribunda* Cav." *Food Chemistry* 73: 209-215.
- Yu, J., M. Ahmedna, et al. (2007). "Peanut protein concentrate: Production and functional properties as affected by processing." *Food Chemistry* 103: 121-129.
- Yusuf, A. A., H. Ayedun, et al. (2008). "Chemical composition and functional properties of raw and roasted Nigerian benniseed (*Sesamum indicum*) and bambara groundnut (*Vigna subterranean*)." *Food Chemistry* 111: 277-282.